

## همفکری پیروزمیدان است



❖ بیژن جمشیدی ❖

معاون آموزگار دبستان مهر عادگان فریدن، اصفهان

❖ در سال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۴ که مدیر دبستان یکی از روستاهای شهرستان فریدن بودم، آموزش ابتدایی شهرستان آموزگاری را به صورت تبعیدی برای تدریس به آموزشگاه ما فرستاد. معلم مزبور با نوزده سال سابقه به مدرسه ما می آمد و من در آن موقع، پنج سال سابقه آموزش و دو سال تجربه مدیریت داشتم و از فارغ التحصیلی ام در مقطع کارشناسی مدتی نگذشته بود. می خواستم به صورت عملی آموخته‌هایم را به کار بیندم.

فردی جست‌وجوگر و طرفدار مطالعه بودم و مجلات آموزشی، تربیتی و تخصصی آموزش و پرورش را مطالعه می کردم و دیدگاه‌های آموزشی و اجرایی همکاران را می شنیدم. از طرفی نیز به دلیل بومی بودن تا حدودی از خانواده‌ها، دانش‌آموزان و آداب و رسوم آن‌جا، شناخت خوبی داشتم.

در جلسه اول با آن آموزگار، از ایشان خواستم تجربیات، شیوه کار، مشکلات، ضعف‌ها و توانایی‌های کاری‌اش را با ما درمیان بگذارد و ما نیز در ادامه، انتظارات اولیا و مدرسه را بازگو کردیم.

در طی سه سالی که ایشان با ما همکاری می کردند، با گفتمان‌های غیرمستقیم، در نشست‌های مرسوم آموزشگاه و بازدید از کلاس و درک وضعیت خانوادگی و روحیات شخصی وی، توانستم توجه‌شان را جلب کنم و از تجربه‌ها و دیدگاه‌های درست ایشان بهره‌مند شوم. یکی از علت‌های تنبیه و تبعید ایشان بی‌انضباطی بود، اما در دبستان ما این مسأله رخ نداد و همانند معلمی وظیفه‌شناس همه فواین و مقررات را رعایت می کرد و در دبستان ما در زمره مرتب‌ترین کارکنان درآمد. ما و ایشان با برقراری رابطه‌ای انسانی و متقابل توانستیم سال‌های تحصیلی را بدون کمترین تنش کاری پایان ببریم.

در اثر درک و فهم متقابل و برقراری روابط انسانی و تغییر شیوه مدیریتی با توجه به زمان، فرهنگ، محیط جغرافیایی و بسیاری عوامل دیگر، این سال‌ها به یکی از خاطره‌های خوب من تبدیل شد.

همواره سعی کرده‌ام عوامل نامبرده را به کار بیندم و مشارکت، همفکری، همکاری و با هم بودن در محیط کاری را سرلوحه کارهایم قرار دهم و همواره خواهان و مشتاق همراهی همکارانم بوده‌ام و از تجربه‌هایشان استفاده کرده‌ام و احترام ویژه‌ای برایشان قائل هستم. ❖

## فکر آزاد

خانم مدیر بازنشسته شد. یک روز برای گرفتن حقوق به بانک رفت؛ یکی از معلم‌ها او را دید و به طرفش رفت و سلام کرد اما خانم مدیر آن قدر توی فکر بود که متوجه معلم نشد.

معلم دوباره بلندتر از قبل سلام کرد اما خانم مدیر باز هم متوجه نشد.

معلم جلو رفت و دست مدیر را گرفت و تکان داد، سلام کرد و گفت: «حالتون چطوره؟ چند بار سلام کردم متوجه نشدین؟ دیگه تو چه فکری هستین؟»

خانم مدیر گفت: «اه ... ببخشید. تو فکر... ازدواج بودم.»

معلم با تعجب گفت: «تا اون جایی که یادمه، شما که ازدواج نکرده بودین که دختر و پسری داشته باشین!»

خانم مدیر گفت: «درسته ولی در فکر ازدواج خودمم!»

معلم که زل زده بود به مدیر، پرسید:

«عجب! ولی فکر نمی‌کنین دیگه خیلی دیر شده؟»

خانم مدیر

خندید و چین

و چروک تمام

صورتش را پر کرد.

در همان حال

با حوصله گفت:

«راستش احساس

می‌کنم، الان وقتشه!

چون اون موقع‌ها

همه‌ش فکر مدرسه و دانش‌آموز و معلم‌ها بودم ولی حالا که فکرم آزاد شده، به فکر ازدواج افتادم.»

خانم معلم با تأسف گفت: «بله، ای کاش زودتر به فکرش می‌افتادین.»

خانم مدیر گفت: «نه، ماهی رو هر وقت از آب بگیری، تازه‌س.»

او پولش را از متصدی باجه گرفت. از خانم معلم خداحافظی کرد و رفت. معلم مات و مبهوت به او نگاه می‌کرد... ❏



## ایستگاه خلوت فہم

وقتی کتاب ارزشمند و بی‌نظیر نهج‌البلاغه را خریدم، فکر نمی‌کردم با مطالعه اولین صفحه آن هزاران آه و افسوس بخورم که چرا این کتاب را در سی و چهار سالگی می‌خوانم. یا خواندن هر خطبه و هر کلام مولایم برای این همه سهل‌انگاری از او طلب بخشش می‌کردم. پس تصمیم گرفتم این کتاب را به دیگران مخصوصاً دانش‌آموزانم معرفی کنم. فکر کردم از چه طریقی باید این کار را بکنم چون خواندن این کتاب برایم خیلی شیرین بود. بنابراین در گوشه‌ای از راهروی مدرسه چند میز و صندلی و نهج‌البلاغه قرار دادم و روی میزها تابلویی به اسم «ایستگاه خلوت فہم» گذاشتم و پایین آن نوشتم دانش‌آموز عزیز:

«در این مکان می‌توانید در اوقات فراغت و غیر درسی در طول سال تحصیلی کتاب بی‌نظیر نهج‌البلاغه را

بخوانید. سپس

در دفتری که از

طرف مدرسه

در اختیار

شما قرار

داده می‌شود،

مطالب خوانده

شده را یادداشت

کنید و در پایان سال

تحصیلی آن را به دفتر آموزشگاه تحویل بدهید و جایزه بگیرید.»

هدف من این بود که دانش‌آموزان این کتاب را به‌دست بگیرند و بعد اگر خواستند آن را بخوانند و در دفتری، خواننده‌هایشان را بنویسند و جایزه‌ای بگیرند. نمی‌خواستم مسابقه بگذارم؛ فقط می‌خواستم با نهج‌البلاغه آشنا شوند. مطمئنم جذابیت و زیبایی کلام مولا دیر یا زود در دانش‌آموزان تأثیر خواهد گذاشت و در زندگی بارها به این کتاب مراجعه خواهند کرد. ❏

